

مجله زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی سابق) (علمی - پژوهشی)، شماره دوازدهم - بهار و تابستان ۱۳۹۴

دکتر کلثوم صدیقی (استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

رویکردی نوین به فرآیند واژه‌گزینی در زبان عربی

چکیده

واژگان از دیرباز تاکنون دارای جایگاهی غیرقابل انکار در گفتار بوده‌اند و در دوره معاصر نیز واژه‌سازی و واژه‌گزینی از یک‌سو از فرآیندهای برتر برابریابی واژگانی جهت برون‌رفت از چالش کمبود واژگان به شمار می‌روند به‌ویژه در کشورهای عربی‌زبان و فارسی‌زبان و از دیگر سوی به‌عنوان برجسته‌ترین بستر برنامه‌ریزی زبان، مورد توجه زبان‌پژوهان قرار دارند. هدف از نگارش جستار پیش‌رو، بررسی و مطالعه متون علمی و خبری زبان عربی در دوره معاصر با به‌کارگیری روش توصیفی کاربردنگر می‌باشد و تلاش دارد تا در گستره واژه‌گزینی و اصطلاح‌یابی به خوانش متون کلاسیک زبان عربی با تأکید بر متون شعری دوره جاهلی و تطبیق معنای کاربردی واژگان آن‌ها با تمرکز بر متن‌های علمی و خبری معاصر بپردازد. نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از واژگان موجود در متون ادبی کلاسیک در دوره معاصر به‌عنوان برابرنهاده‌های واژگان صنعت و مدرنیسم بیشتر در متون غیرادبی به کار گرفته می‌شوند؛ همچنین برآیند نهایی این پژوهش، حکایت از آن دارد که نظر به اشتقاقی بودن زبان عربی، شیوه‌های برابریابی واژگانی این زبان در حال حاضر به ترتیب میزان کاربرد گویشوران عبارت‌اند از: واژه‌سازی، واژه‌گزینی با غلبه توسعه معنایی و مجاز اما شیوه‌های ترجمه و ام‌واژه و سرواژه‌سازی در میان گویشوران معاصر عرب به تقلید از زبان انگلیسی صرفاً در راستای اختصار و در تعابیر و اصطلاحات دارای اطناب کاربرد دارد.

کلیدواژه‌ها: واژه‌گزینی، زبان عربی، توسعه معنایی، ترجمه و ام‌واژه، سرواژه‌سازی.

مقدمه

پیشینه پژوهش

عامل اصلی که نگارنده را به نگارش جستار پیش‌رو رهنمون گردیده، بررسی مقالات و جستارهای مرتبط با دانش واژه‌گزینی زبان عربی در داخل کشور و کمبود نوشتارهای پژوهش‌بنیاد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۲۵

seddighi@ferdowsi.um.ac.ir

پست الکترونیکی:

و کاربردگرا در این زمینه بوده است؛ در گستره پژوهش‌های آکادمیک و دانشگاهی مربوط به دانش واژه‌شناسی و برابریابی زبان عربی نظر به کمبود نوشتارهای پژوهش‌بنیاد و کاربردگرا که نیاز مشتاقان و پژوهشگران را در این زمینه برآورده سازد، اشارت برخی همکاران، نگارنده را بر آن داشت تا پس از گذاری بر منابع واژه‌گزینی در این زبان، بر بنیاد الگویی توصیفی-کاربردی، فرآیند واژه‌گزینی را در آن مورد بررسی و مطالعه قرار دهد و واقعیت آن است که پژوهش‌های تخصصی بنیادین درباره واژه‌شناسی و برابریابی زبان عربی معاصر به شکل اعم و درباره شیوه‌های واژه‌گزینی این زبان به شکل ویژه در میان انبوه جستارهای انجام شده، حجم بسیار ناچیزی را به خود اختصاص داده است و تقریباً به نمونه‌های انگشت‌شماری مانند پژوهش ارجمند «تجربه کشورهای عربی در زمینه واژه‌گزینی» از یحیی معروف محدود گشته است؛ ازاین‌رو نگارنده در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی کاربردنگر پس از گذاری بر منابع واژه‌گزینی زبان عربی، فرآیند واژه‌گزینی در این زبان را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

از آن‌رو که پژوهش‌ها و بررسی‌های تخصصی بنیادین درباره واژه‌شناسی و برابریابی زبان عربی معاصر به شکل اعم و درباره شیوه واژه‌گزینی به شکل ویژه در میان انبوه جستارهای توصیفی، توصیفی-تحلیلی، تطبیقی، توصیفی-تطبیقی، تطبیقی-تحلیلی و نشانه-معناشناختی انجام شده در باب ادبیات و متون ادبی منظوم یا مثنوی این زبان، حجم بسیار ناچیزی را به خود اختصاص داده است هرچند پژوهش ارجمندی مانند مقاله «تجربه کشورهای عربی در زمینه واژه‌گزینی» از دکتر یحیی معروف در این زمینه به طبع رسیده است که بی‌تردید برای پژوهندگان و علاقه‌مندان به این حوزه راهگشا خواهد بود ولی نظر به این‌که بسنده نمودن به جستار همانندان ایشان و تنها بهره‌برگرفتن از برآیند دانش پژوهی دیگران بدون افزودن نکته‌ای بر داشته‌های پیشین، طریقت اهل علم نبوده و نیست نگارنده با قلم زدن جستار حاضر تلاش کرده است تا با واکاوی و بازخوانی متون ادبی کلاسیک و متون علمی معاصر زبان و ادبیات عربی بدین پرسش بنیادین پاسخ دهد که کاربردی‌ترین فن معادل‌گزینی و برابریابی زبان عربی در دوره کنونی پس از واژه‌سازی چیست و در چه الگوهایی نمود می‌یابد؟ در راستای یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش، نگارنده از

بازخوانی معنائگر متون کلاسیک و تطبیق هم‌زمان کاربرد آن‌ها در گویش و متون عرب معاصر بهره گرفته است.

پرسش بنیادین

این پژوهش تلاش دارد تا با واکاوی و بازخوانی موردپژوهانه برخی از متون ادبی کلاسیک عربی با تأکید بر اشعار دوره جاهلی - و نیز متون علمی و خبری معاصر به پرسش‌های بنیادین ذیل پاسخ دهد:

- ۱- کاربردی‌ترین شیوه‌های معادل‌گزینی و برابریابی زبان عربی در دوره معاصر چیست؟
- ۲- رایج‌ترین الگوهایی که شیوه‌های کاربردی معادل‌گزینی معاصر در قالب آن‌ها نمود می‌یابند، کدام است؟
- ۳- میزان بهره‌گیری گویشوران عرب‌زبان از دو شیوه وام‌گیری و سرواژه‌سازی در چه سطحی قرار دارد؟

برجسته‌ترین انگاره‌ها و فرضیه مطرح در برابر پرسش‌های یاد شده، عبارت‌اند از: ۱- در زبان عربی، پیامد تعلق این زبان به خانواده زبانی سامی، پرکاربردترین شیوه معادل‌گزینی، واژه‌سازی است. ۲- نظر به تلاش عرب‌زبانان جهت دوری از اقتراض و وام‌گیری زبانی، شیوه واژه‌گزینی، دومین شیوه پرکاربرد معادل‌یابی به شمار می‌رود. ۳- ترجمه وام‌واژه و سرواژه‌سازی در صورت ضرورت و درعین حال همراه با تغییرات حرفی و آوایی توسط گویشوران عرب استفاده می‌شود.

گذاری بر منابع واژه‌گزینی

در زبان فارسی فرهنگ‌های مختلف موضوعی، دانشنامه‌ای فرهنگ واژگان و قاموس‌های گونه‌گونی نگاشته شده است که می‌تواند همسان با زبان عربی در زمره یکی از عمده‌ترین منابع واژه‌گزینی به شمار رود هرچند از یک سو در مقایسه با زبان عربی و فرهنگ‌های دیرین و نوینی که در این زبان در رشته‌ها، گرایش‌ها، شاخه‌ها، زیرشاخه‌ها و ریزشاخه‌های مختلف دانش از دیرباز تا امروز به رشته نگارش درآمده، حجم کمتری را به خود اختصاص می‌دهد و از سوی دیگر به دلیل پیچیدگی و ابهام و سنت‌گرا بودن این دسته از منابع، توانش و یارای کمک گسترده‌ای در امر

واژه‌گزینی و برابریابی علمی به افراد یا گروه‌های واژه‌گزین نمی‌کنند چنان‌که لطف‌الله یارمحمدی در این زمینه بر این باور است که «دستاورد‌های ما در زمینه فرهنگ‌نویسی به‌زحمت می‌توانند گرهی از مشکلات کنونی جامعه علمی امروز بگشاید؛ به‌استثنای چند مورد انگشت‌شمار به‌جرات می‌توانیم بگوییم فرهنگ‌هایی که تاکنون نوشته شده‌اند بیش از آن‌که فرهنگ فارسی زنده امروزی باشند، فرهنگ حلّ غوامض ادبی و شرح نوادر تاریخی هستند؛ حال آن‌که فرهنگ مورد نیاز ما در حال حاضر، فرهنگی است که واژگان زنده و امروزی فارسی را به ساده‌ترین صورت ممکن توصیف نماید به‌طوری‌که هر مراجعه‌کننده‌ای با هر مایه‌دانشی بتواند با مراجعه به آن، مشکلات واژگانی خود را در گستره همین زبان فارسی امروزی به‌راحتی مرتفع سازد.» (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۰-۱۲۹)

فرهنگستان زبان فارسی اما در نگاشته‌ای که در باب اصول و ضوابط واژه‌گزینی منتشر نموده است منابع واژه‌گزینی زبان فارسی را در چند دسته ذیل برشمرده است:

منابع واژه‌گزینی زبان فارسی به روایت فرهنگستان این زبان عبارت‌اند از:

همه واژگانی که صرف‌نظر از تبارشان فارسی به‌شمار می‌روند.

واژگان متعلق به زبان‌ها و گویش‌های زنده ایرانی.

واژگان و ریشه‌های متعلق به زبان‌های باستانی و میانه ایران.

واژگان و صورت‌های ترکیبی اروپایی که یا در زبان مبدأ واژه بسیط باشند و یا ساختار صرفی آن‌ها به‌گونه‌ای باشد که توانش اعمال فرایندهای واژه‌سازی فارسی بر روی آن‌ها وجود داشته باشد.

(گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۴)

در زبان عربی در زمینه منابع واژه‌گزینی، چهار منبع ارزشمند وجود دارد که عبارت‌اند از: قاموس‌های عمومی زبان عربی، کتاب‌های زبانشناسی، دانش‌نامه‌ها و فرهنگ‌های علوم مختلف و لهجه‌های عامیانه و رایج؛ درجه؛ در این میان، قاموس‌های عمومی، سرشارترین سرچشمه‌ها و منابع واژه‌گزینی به‌ویژه در برگردان و برابریابی معانی کلی مانند صفت‌ها و مصدرها به‌شمار می‌روند و خاستگاه این امر مراحل مختلف گذار در فرهنگ عربی و ارتباط و مبادله با دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌هاست؛ تعداد این‌گونه قاموس‌ها را تا قرن دوازدهم هجری نزدیک به ۱۵ عدد

برآورد کرده‌اند (الخطیب، ۱۹۸۳: ۲۰۷-۲۰۵)؛ از مشهورترین این قاموس‌ها «المقاییس» ابن فارس، «الصحاح» جوهری، «لسان العرب» ابن منظور، «المحیط» فیروزآبادی و «تاج العروس» زبیدی است که البته این قاموس‌ها معاییی نیز دارد که نخستین آن‌ها کم‌دقتی در تفکیک و تمایز قائل شدن میان گونه‌های مختلف است چنان‌که در این قاموس‌های عمومی میان «أرز»، «عرعر»، «سرو» و «صنوبر» تفاوت مشهودی دیده نمی‌شود و در برخی موارد مایه تعریف به دور نیز می‌شود، دیگر از معایب آن‌ها ارائه توضیح و تفسیری غیرعلمی و مبهم از الفاظ مشهور است مانند تعریف «الطیر»: پرنده به «اسم لجماعه ما یطیر»: نام گروهی از پروازکنندگان که این تعریف نه جامع است و نه مانع بلکه به‌عنوان نمونه می‌توان هم نسر/ لاشخور و هم نحل/ زنبور را زیرمجموعه آن قرار داد یا تعریف «حشره» به «الدواب الصغیر» که هم شامل قُنُذ/ جوجه تیغی می‌شود و هم دربرگیرنده فأر/ موش؛ وجود واژگان کهن متروک که مطابق ذوق و سلیقه عصر حاضر نیست نیز به معایب قاموس‌ها افزوده می‌شود. (الخطیب، دت: ۴۳)

کتاب‌های زبان‌شناسی معادل فرهنگ‌های موضوعی و معنایی امروزی است که از مشهورترین آن‌ها فرهنگ‌نامه‌های موضوعی «خلق الإنسان»، «الإبل» و «الخیل» می‌باشد که در نگارش هر یک، گروهی از نویسندگان مشارکت داشته‌اند دیگر فرهنگ «الحشرات» از ابوخیره و ابوحاتم سیستانی است، «النحل و العسل» از ابوعمرو شیبانی، اصمعی و سیستانی و کتاب «الحیات و العقارب» از ابوعبیده؛ دیگر از دسته فرهنگ‌های موضوعی می‌توان به رسائل مشهور به «کتاب الصفات» - که در قرن سوم هجری پدید آمده است و به موضوعاتی مانند آفرینش انسان، کشاورزی و کشت و کار، باران و موضوعاتی از این دست پرداخته‌اند- اشاره کرد و ابوخیره اعرابی و نضر بن شمیل در این زمینه صاحب اثر هستند؛ از مشهورترین فرهنگ‌نامه‌های معنایی نیز یکی کتاب «الألفاظ» ابن سکیت است و دیگر «التلخیص» ابوهلال، «الألفاظ الكتابیه» از همدانی، «فقه اللغه» از ثعالبی و به‌ویژه «المخصّص» این سیده اندلسی در ۱۷ جلد و هر جلد در باب موضوعی و «کنز الحفظ فی تهذیب الألفاظ» از تبریزی. (مختار عمر، ۱۹۸۲: ۱۰۸)

دسته سوم از منابع واژه‌گزینی دانشنامه‌ها یعنی مجموعه‌های ترجمه یا تألیف شده و یا پدید آمده در حوزه تخصصی یک علم است که تعداد زیادی از دانش‌واژه‌ها و اصطلاحات ترجمه شده

یا ساخته شده در حوزه علوم را دربرمی‌گیرد مانند کتاب «الحاوی» زکریای رازی در پزشکی، «الشفاء» ابن سینا در منطق، «الفلاحه الأندلسیه» ابن عوام اشبیلی، «صبح الأعشی» قلقشندی و «قوانین الدواوین» ابن ممّاتی؛ برخی از دانشمندان نیز اصطلاحات تخصصی رشته خود را در رساله‌مانند یا کتابچه‌هایی ساماندهی می‌نمودند مانند «رساله فی حدود الأشیاء و رسومها» از کندی یا مانند «الجامع لمفردات الأدوية» اثر ابن بیطار؛ شکل تخصصی‌تر دانشنامه‌ها، واژه‌نامه‌های تخصصی است که البته این نام را ندارند مانند «الکلیات» ابوالبقاء کفوی یا «کشاف اصطلاحات الفنون» از تهانوی. (الثعالبی، دت: ۱۳۰-۱۲۶ و الشرفاوی، ۱۹۹۱: ۵۰-۴۲)

چهارمین و فرجامین دسته از منابع واژه‌گزینی، لهجه‌های عامیانه است که بسیاری از واژگان کاربردی آن‌ها در واژه‌نامه‌ها و فرهنگ لغت‌ها نیامده است ولی توده و عوام مردم نسل به نسل و پشت‌به‌پشت آن‌ها را به کار می‌برند مانند واژه لهجه‌ای «السّاقیه» به معنای چمچمه آب که در لهجه‌های مصری استفاده می‌شد و فرانسوی‌ها هم آن را گرفته و در واژه‌نامه ثبت کردند یا مانند واژه لهجه‌ای «مُلُول» به‌عنوان یکی از گونه‌های بلوط اطلاق می‌گردد؛ از دیگر گونه‌های این دسته، یا مانند واژگان عربی صحیحی است که خواص و فرهیختگان به خاطر رواج کاربردش در میان عوام و ترس از عامی بودن آن یا به خاطر گرایش به واژگان جدیدتر، آن را به کار نمی‌برند مانند بیاع، بَطّال، دَعَس و...؛ گونه سوم، آن دسته از واژگانی است که به دست عوام مردم تعریف شده و در میانشان کاربرد یافته است یا از گروه واژگان معرّب و کاربردی توسط توده «ورش‌ه»، «طقم» و «ساندویش» که از این دسته، نمونه‌های فراوانی توسط پیشه‌وران کاربرد یافته است؛ نوع چهارم از واژگان لهجه‌ای که به‌عنوان منبع واژه‌گزینی معرفی شده است، و یا از گونه واژگان دارای ریشه و اصل عربی است ولی تغییر یافته تحت تأثیر یک فرآیند زبانی بی‌قاعده و غیرقیاسی به خاطر ابدال یک حرف یا افزایش و کاهش آن تغییر کرده است مانند «کَبَل» که در اصل «کَتَل» بوده است یا «تعبان و مرضان» که بر بنیاد قیاس نادرست با «ظمان» رواج یافته‌اند همچنین آن دسته از واژگانی که عامه مردم بی‌هیچ تحریفی به کار می‌برند می‌تواند ذیل این تقسیم قرار گیرند مانند «نَقَط» و «العکام» و الشظف به معنای غسل به همراه واژگان معجمی که عوام مردم به کار برده‌اند مانند «السّاف»، «المدماک»، «المصطبّه» که این واژگان افزون بر وام‌واژگان و الفاظی است که عوام برای

بیان پدیدارها و اشیاء جدید و نوی به عاریت کرده‌اند مانند «السَّليخ» به معنی «الأرض العراء» به اضافه واژگان ابتکاری و تولیدی عامه مانند «الجبَّالَه»، «الحفَّارَه»، «الفرَّاعَه»، «الدَّحَّارَه» و «الكف» و... (خساره، ۲۰۰۸: ۳۹-۳۵)

شیوه‌های واژه‌گزینی

شیوه‌های مورد پژوهش واژه‌گزینی زبان عربی در این نوشتار بر بنیاد مطالعات نگارنده یا از گونه توسعه معنایی است که به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته نخست واژگان نوگزیده‌ای است که پیش‌تر دلالت و نشانگری خاصی داشته‌اند و در این بخش در آغاز، مدلول کنونی و جدید آن‌ها در برابرشان نگاشته می‌شود و سپس مدلول نخست و پیشین با استناد به متون دیرین ارائه می‌گردد؛ دسته دوم، واژگان برگزیده‌ای است که پیش‌تر دلالت و نشانگری خاصی داشته‌اند و در ادوار پسین به عنوان برابرنهاده اصطلاحی دیگر از زبان مبدأ یا مقصد برگزیده شده‌اند و در این نوشتار یا در آغاز، مدلول نخست و نوین آن‌ها در برابرشان نگاشته می‌شود سپس و در ادامه، مدلول نوین با استناد به متون امروز تبیین می‌شود؛ در مراحل پسین، برابریابی و ندهای وام‌واژگان و در فرجام، سرواژه‌سازی از دیگر شیوه‌هایی است که به منظور راهکار واژه‌گزینی در زبان عربی مورد توجه قرار دارند.

واژه‌گزینی، دومین شیوه‌ای است که پس از واژه‌سازی برای برابریابی اعم از برابریابی دانش‌واژگان زبان مبدأ یعنی اصطلاحات بیگانه یا برابریابی اصطلاح و دانش‌واژه مورد نیاز در خود زبان مقصد برای مفهومی نوین به کار گرفته می‌شود و به معنای پیشنهاد برابرنهاده‌ای در برابر اصطلاح مورد نظر بر بنیاد نوگزینش یا برگزینش از میان واژگان موجود در زبان عربی می‌باشد مانند نوگزینش واژه «قطار» با انتقال نشانگری ویژه آن بر مدلول «قافله الجِمال» به مدلول اصطلاح زبان مبدأ (train) که بر بنیاد اصول بلاغت کلاسیک ذیل شاخه «مجاز» قرار می‌گیرد به‌ویژه در تعریفی که صاحب جواهر از این گونه بیانی ارائه داده است و می‌گوید «المجاز مشتق من جاز الشیء یجوزُه - إذا تَعَدَّاه - سَمَّوْا به اللفظ الذی نُقِلَ من معناه الأصلي لیدلَّ علی معنی غیره مناسب له» (الهاشمی، ۱۴۲۵: ۳۰۲) اگر این تعریف احمد الهاشمی از مجاز با آنچه که به مانند زبان عربی - در جهت پاسخگویی به نیاز زمان و گزینش واژگان پیشین برای مدلول‌های نوین - در زبان فارسی

پیشنهاد شده است، مقایسه شود، ارزش کاربری امروزی مجاز با نام نوگزینش در زبان فارسی مطابق ترجمه سه معنای ارائه شده در این نوشتار- در زبان عربی در امر واژه‌گزینی و برابریابی به نیکی روشن می‌شود؛ در فرهنگستان زبان فارسی، نوگزینش را عبارت از گونه‌ای گسترش معنایی آگاهانه برای هماهنگ ساختن زبان با نیازهای جدید دانسته‌اند که در این گسترش، واژه افزون بر داشتن معنای سابق و حفظ نشانگری مفهومی بر مدلول نخستین بر معنایی جدید برای مدلول نوین نیز دلالت دارد مانند «نوگزینش واژه «اعتبار» که مدلول نخستین آن، آبرو و عزت و احترام است و امروز در سازه‌ای مانند «گشایش اعتبار» بر حساب بانکی نیز دلالت دارد یا مانند واژه «نعلبکی» که افزون بر مدلول نخستین زیراستکانی بر قطعه‌ای در سر میل‌گردان نیز دلالت می‌کند یا مانند لفظ «گوشواره» که در حال حاضر افزون بر زیوری که از گوش آویخته می‌شود بر قطعه‌ای که در زیر فنرهای تخت، امکان تغییر طول فنر را در اثر نوسان فراهم می‌کند نیز اطلاق می‌گردد.» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۳۵) شیوه دیگر واژگزینی چنان‌که از آن یاد کردیم- برگزینش واژه‌ای مناسب است که پیش‌تر نیز دارای نشانگری بر مدلولی ویژه نبوده باشد و امروز برای اصطلاح یا مدلول مورد نظر از میان گنجینه واژگان موجود زبان عربی انتخاب می‌شود- مانند برگزینش واژه «تحمیل» یا «تنزیل» برای اصطلاح (download).

استناد نوگزیده در متون شعری دیرین

از آن‌جا معنای نخست این دسته از واژگان نوگزیده، پیش‌تر در متون ادبی و به‌ویژه شعر نمود داشته است در بررسی مثال‌های این دسته، تلاش گردید تا برای تبیین معنای قدیم از نمونه‌های شعر جاهلی و برای تبیین معنای جدید از نمونه‌های علمی و یا خبری استفاده شود. نتیجه‌ای که با بررسی این دسته واژگان نوگزیده برای نگارنده متن مسجل گشت این است که به دلیل تازگی مدلول این دسته از واژگان و ارتباط و پیوند محکم آن با پیشرفت‌های علم، صنعت و فناوری جهانی، این دسته، کمتر در متون ادبی و یا شعری معاصر عربی بازتاب یافته است و بیشتر در متون منثور علمی قابل ردیابی است.

۱- واژه نوگزیده: **القناه دارای معنای دلالت نخستین نیزه در معنای امروزی کانال آب یا شبکه تلویزیونی مانند قناه السویس** که به شکل قنال برگرفته از کانال لاتین نیز به‌کاررفته است: قنال

السُّویس و معنای دیگر مانند **قناه الدراما للأسره** که این توضیح صرف‌نظر از واژه نوگزیده، خود در برابریابی گونه‌ای نقل مضمون به شمار می‌رود که برابرنهاده مناسب دیگری برای آن پیدا نشده است.

متن دارای معنای دلالت نخست نیزه

الف) از «معلقه» عترة:

فَشَكَّكَتْ بِالرَّوْحِ الْأَصَمِّ ثِيَابَهُ لَيْسَ الْكَرِيمُ عَلِيَّ [الْقَنَا] بِمُحْرَمٍ

(الزوزنی، ۱۴۰۵: ۱۴۸)

(من با نیزه سخت خویش، جامه‌اش را دریدم حال آن‌که -در قانون من- بر نیزه رفتن افراد

برجسته و بزرگوار، حرام نیست!)

ب) از معلقه عمروین کلثوم تغلبی:

فَإِنَّ [قَنَا] يَا عَمْرُو أَعَيْتَ عَلِيَّ الْأَعْدَاءِ قَبْلَكَ أَنْ تَلِينَا

(همان: ۱۲۸)

(ای عمرو، نیزه ما پیش از تو در ستیز با دشمنان کند گشته است.)

متن دارای معنای نوین کانال: **قناه السویس** هی ممرّ مائی اصطناعی فی مصر، یبلغ طولها ۱۹۳

کم و تصل ما بین البحرین الأبيض و الأحمر.

(کانال سوئز یک کانال / آبراه مصنوعی در مصر است با طول ۱۹۳ کیلومتر که حدفاصل دریای

مدیترانه و دریای سرخ را به هم متصل می‌سازد.)

متن دارای معنای نوین ماهواره: **القناه الفضائیة السوریة** هی قناه التلفزيون السوری الفضائیة

الرسمیة و آلتی تبث فی کافه أنحاء العالم.

(شبکه ماهواره‌ای سوریه، شبکه رسمی تلویزیونی ماهواره‌ای سوریه است که در همه جای دنیا

پخش می‌شود.)

۲-واژه نوگزیده: **أنبوب دارای معنای دلالت نخستین بند و نی** در معنای امروزی لوله آب یا

لوله آزمایشگاه مانند **أنبوب الماء یا أنبوب المختبر و یا أطفال الأنبوب**.

متن دارای معنای دلالت نخست بند و نی از معلقه امرؤ القیس:

و كَشْحٍ لَطِيفٍ كَالجَدِيدِ لِ مُمَحْصَرٍ و ساقِ كِ [أَنْبُوبٍ] السَّقْيِ الْمُدْغَلِ

(البدستاني، ۱۴۲۵: ۳۳)

(محبوب من، لاغراندام باریک‌میانی است مانند بافه چرمی و ساق‌های خوش‌تراش پایش بسان ساقه شاداب و زیبای خرمایی سیراب و پر بار است.)

متن دارای معنای نوین لوله آب: وافقت ایران علی بیع میاهها من أحد الأنهار القریبه من الكويت، عبر مد خط أنابيب بری و بحری یمر تحت میاه الخلیج العربی.

(ایران با فروش آب یکی از رودهای نزدیک کویت از طریق لوله‌کشی در خشکی و دریا از زیر آب‌های خلیج فارس موافقت کرد.)

متن دارای معنای نوین لوله آزمایشگاه: عرف العالم مصطلح «أطفال الأنبیب» لأول مره عام ۱۹۷۸، عندما ولدت الطفله لویس براون، لتكون أول طفله أنابيب فی العالم.

(جهان برای نخستین بار در سال ۱۹۷۸ با اصطلاح «نوزاد پرورش یافته در لوله‌های آزمایشگاهی» آشنا شد هنگامی که دختر بچه‌ای به نام لویس براون به‌عنوان اولین جنین آزمایشگاهی و لقاح مصنوعی جهان متولد شد.)

۳-واژه نوگزیده: ثُرَيَّا دارای معنای دلالت نخستین خوشه پروین در معنی امروزی لوستر که خلیل حاوی در سروده‌ای با نام «المجوس فی اوروبا» به زیبایی از این نوگزیده بهره گرفته است: فاستحالت عتَماتُ السَّقْفِ / بَلُورًا، ثُرَيَّاتٍ و زُرْقَه. (حاوی، ۱۹۹۳: ۱۴۳)

متن دارای معنای دلالت نخست خوشه پروین از معلقه إمرو القیس:

إِذَا مَا [الثُّرَيَّا] فِي السَّمَاءِ تَعَرَّضَتْ تَعَرُّضَ أَثْنَاءِ الْوِشَاحِ الْمَفْصَلِ

(الزَّوْزَنِي، ۱۴۰۵: ۱۷)

(من نزد محبوبه خویش رفتم، بدانگاه که ستارگان خوشه پروین بسان کناره‌های حمایلی جواهر نشان / گردن‌آویزی درخشان در آسمان، رخ می‌نمایاند.)

واژه نوگزیده: الحبل دارای معنای دلالت نخستین ریسمان در معنی امروزی (cable) مانند حبال الوصلات الکهربائیه.

متن دارای معنای دلالت نخست ریسمان از «وداع هریره» آعشی:

صَدَّتْ هُرَيْرَةَ عَنَّا مَا تُكَلِّمُنَا جَهلاً بِأَمْ خَلِيدٍ [حبل] مَنْ تَصِلُ؟!

(البستانی، ۱۴۲۵: ۲۲۸)

واژه نوگزیده: رائد دارای معنای دلالت نخستین پر رفت و آمد/ رفت و برگشت کننده در معنی امروزی سرگرد.

متن دارای معنای دلالت نخست پر رفت و آمد/ رفت و برگشت کننده از «مدح هرم بن سنان»

زهیر بن ابو سلمی:

تَمْطُو الرِّشَاءَ فَتَجْرِي فِي ثَنَائِهَا مِنْ المَحَالَةِ ثَقْباً [رائدا] فَلِقَا

(البستانی، ۱۴۲۵: ۹۴)

۴- واژه نوگزیده: مُعَبَّد دارای معنای دلالت نخستین آغشته به قطران در معنی امروزی راه آسفالت شده و هموار.

متن دارای معنای دلالت نخست آغشته به قطران از معلقه طرفه:

إِلَى أَنْ تَحَامَتَنِ العَشِيرَةَ كُلُّهَا وَ أُفْرِدْتُ إِفْرَادَ البَعِيرِ [المُعَبَّد]

(همان: ۶۲)

(تا بدان جا که همه افراد قبیله، مرا راندند و طرد کردند و من بسان شتری گر و بیمار، تنها مانده و در انزوا قرار گرفتم.)

متن دارای معنای نوین آسفالت شده و هموار: و أفاد أن الميليشيات الحوثية يحاولن التحرك في

طرق وعرة بعيداً عن الطرق المعبده نظراً لأن الطيران يتواجد بصفه مستمره في الأجواء اليمنيه.

(این منبع بیان داشت که شبه نظامیان حوثی در تلاش جهت حرکت در راه‌های صعب‌العبور و

به‌دوراز راه‌های آسفالت شده مسطح هستند؛ زیرا نیروی هوایی همواره در آسمان یمن حضور دارد.)

۵-واژه نوگزیده: **مَحَلّ** دارای معنای **دلالت نخستین مکان و جای فرود آمدن در معنی امروزی** فروشگاه.

متن دارای معنای دلالت نخست مکان و جای فرود آمدن از معلقه لبید:

عَفَّتِ الدِّيَارُ [مَحَلًّا] هَا فَمَقَامُهَا بِمَنَى تَأَبَّدَ غَوْلَهَا فِرْجَامُهَا

(الزوزنی، ۱۴۰۵: ۹۱)

(این سرزمین، خانه‌ها، منزلگاه‌ها و اقامتگاه‌هایش - در گذر زمان - از شدت فرسودگی محو گشته‌اند چنان که پنداری کوه‌های غول و رجام در منطقه منا، به چشم ناآشنا و غریب می‌آید.)
متن دارای معنای نوین فروشگاه: شارع کورسوفی روما یضم محلات عدیده من أدوات كهربائیة إلى محلات الموسیقی و محلات الأحذیه .

(خیابان کورسو در شهر رم دارای فروشگاه‌های متعددی است از فروشگاه‌های لوازم برقی گرفته تا فروشگاه‌های لوازم موسیقی و کفش فروشی‌ها.)

واژه نوگزیده: **دولاب** دارای **دلالت نخستین چرخ چاه** در معنی امروزی لاستیک ماشین.

متن دارای دلالت نخست چرخ چاه:

فَمِنْ جَنَانِ تَرِيكِ النُّورِ مَبْتَسَمَا فِي غَيْرِ إِثَانِهِ وَ الْمَاءِ مَنْسَكِبَا
كَأَنَّ [دولابها] إِذْ أَنْ، مَغْتَرَبٌ نَأَى فَنَحْنُ إِلَى أَوْطَانِهِ طَرِبَا

(الجارم و أمين، ۱۳۷۹: ۹۴)

واژه نوگزیده: **مَحْمَل** دارای **دلالت نخستین حمایل شمشیر** در معنی امروزی قالیاق ماشین مانند محمل الدولاب.

متن دارای دلالت نخست حمایل شمشیر از معلقه امرؤ القیس:

فَفَاضَتْ دَمَوْعُ الْعَيْنِ مَنَى صَبَابَهُ عَلَى النَّحْرِ حَتَّى بَلَ دَمْعِي [مَحْمَلِي]

(البستانی، ۱۴۲۵: ۳۱)

واژه نوگزیده: **حافله** دارای **دلالت نخستین سرشار و پر** در معنی امروزی اتوبوس.

متن دارای دلالت نخست سرشار و پر از بانیه ابوتمام:

يا يَوْمَ وَقَعَهُ عَمُورِيَّهٖ اِنْصَرَفَتْ مِنْكَ الْمُنَى [حُفْلًا] مَعْسُولَهٗ الْحَلَبِ

حُفْلٌ: جِ حَافِل

۶- واژه نوگزیده: **مدافع دارای معنای دلالت نخستین آبراهه** در معنی امروزی توپخانه مانند مدافع الهاون.

متن دارای معنای دلالت نخست آبراهه از معلقه لبید:

ف[مدافع] الرِّيَّانِ عُرِّيَ رَسْمُهَا خَلَقًا كَمَا ضَمِنَ الْوَحْيَ سَلَامُهَا

(البستانی، ۱۴۲۵: ۱۰۳)

(نشانه‌ها و آثار مسیل کوه ریّان چنان کهنه و فرسوده گشته که نگاره‌ها و نقش‌های ناخوانای سنگ‌نوشته‌ای را مانده است.)

متن دارای معنای نوین توپخانه: و یبدأ البرنامج التدريبي صباحا على أنواع الأسلحة ألتى تشمل **مدافع الهاون** و القاذفات المختلفة.

(این برنامه آموزشی، صبحگاه با تمرین انواع سلاح‌ها شامل خمپاره و راکت‌های مختلف آغاز می‌شود.)

واژه نوگزیده: **جرثومه دارای دلالت نخستین اصل و ریشه** در معنی امروزی میکروب.

متن دارای دلالت نخست جرثومه از طرفه:

نبلاء السعي من [جرثومه] تترك الدنيا و تمنى للبعث

واژه نوگزیده: **الراوق دارای دلالت نخستین جام شراب و صافی شراب** در معنی امروزی قیف.

متن دارای دلالت نخست جام شراب از اعشی:

نازعتهم قُضِبَ الرِّيحانِ مُتَكِنًا و قَهْوَهٗ مُزَّهٗ [راوقها] خَضِلٌ

(البستانی، ۱۴۲۵: ۲۲۹)

واژه نوگزیده: **قهوه دارای دلالت نخستین شراب** در معنی امروزی قهوه.

متن دارای دلالت نخست شراب از اعشی:

و [قَهْوَه] مُزَه [راووقُها] خَضِلُ و نازَعَتْهُم قُضْبُ الرِّيحانِ مُتَكِنًا

(همان)

واژه نوگزیده: قسیمه دارای دلالت نخستین نوعی نصیب از زیبایی و ملاحظت در معنی امروزی کوپن / ته چک.

متن دارای دلالت نخست نصیب زیبایی از معلقه عنتره:

وَ كَأَنَّ فَارَهَ تاجِرٍ بـ [قسیمه] سَبَقَتْ عوارضَها إِلَيْكَ مِنَ الفم

(الزوزنی، ۱۴۰۵: ۱۴۰)

۷-واژه نوگزیده: صَحْن دارای معنای دلالت نخستین نوعی ظرف یا جام در معنی امروزی دیش ماهواره:

متن دارای معنای دلالت نخست نوعی ظرف یا جام از معلقه عمرو بن کلثوم تغلبی:

أَلَا هُبِّي بـ [صَحْن] كِ فَاصْبِحِينَا وَ لَا تُبْقِي خَمورَ الأندَرِينَا

(الزوزنی، ۱۴۰۵: ۱۱۸)

(ساقیا برخیز و ما را صبحی بنوشان و شراب‌های ناب منطقه اندرین را فرو مگذار!)

متن دارای معنای نوین دیش ماهواره: مدینه کم‌مدینه مراکش تصل نسبة الصحون اللاقطه فیها الی ۶۰ فی المئه من المنازل.

(در شهری مثل مراکش، میزان دیش‌های ماهواره به نسبت خانه‌ها به ۶۰٪ می‌رسد.)

واژه نوگزیده: صُلب دارای دلالت نخستین سخت و محکم در معنی امروزی فولاد.

متن دارای دلالت نخست سخت و محکم از معلقه طرفه:

كَأَنَّ كِناسِي ضالَه يَكْنِفانِها وَ أَطَرَ قَسِيَّ تحت [صُلب] مؤيِّد

(الزوزنی، ۱۴۰۵: ۵۱)

واژه نوگزیده: ذِرَاع دارای دلالت نخستین بازو در معنی امروزی شاتون (قطعه متصل موتور پیستون به میل‌لنگ).

متن دارای دلالت نخست بازو:

الف) از معلقه عنتره

هَرَجًا يَحْكُ [ذِرَاع]هُ بِ [ذِرَاع]هِ قَدَحَ الْمُكَبِّ عَلَى الزَّنَادِ الْأَجْذَمِ

(همان: ۱۴۱)

ب) از بانث سعاد کعب بن زهیر:

كَأَنَّ أَوْبَ [ذِرَاع]يْهَا إِذَا عَرِقَتْ وَ قَدْ تَلَفَعَ بِالْقَوْرِ الْعَسَاقِيلُ

(البستانی، ۱۴۲۵: ۱۳/۲)

ج) از حازم القرطاجنی:

أَلْقَى [ذِرَاعًا] فَوْقَ أُخْرَى وَ حَكَى تَكَلَّفَ الْأَجْذَمَ فِي قَطْعِ السَّنَى

(هداره، ۱۹۵۸: ۶۸)

۸-واژه نوگزیده: سرب دارای معنای دلالت نخستین دسته پرنندگان در معنی امروزی

اسکادران هواپیما:

متن دارای معنای دلالت نخست دسته پرنندگان:

فَعَنَّ لَنَا [سِرْبٌ] كَأَنَّ نِعَاجَهُ عَذَارَى دَوَارٍ فِي مَلَأٍ مُدْبِلٍ

(البستانی، ۱۴۲۵: ۳۶)

(پس از چندی در برابر دیدگان ما، گله‌ای پدیدار گشت که گویا گوزن‌هایش، دوشیزگانی بودند که دامن‌کشان و خرامان، به گرد سنگ مقدس در طواف بودند.)

متن دارای معنای نوین اسکادران هواپیما: الملك عبد الله الثاني ملك الأردن سيشارك بنفسه في قيادة سرب طائرات ۱۶F و ستقوم بقصف مواقع لتنظيم «داعش».

(ملك عبدالله دوم، پادشاه اردن شخصاً در هدایت اسکادران هواپیماهای ۱۶F شرکت خواهد

کرد و اقدام به بمباران پایگاه‌های گروهک داعش خواهد نمود.)

ب) از طرفه:

ذُلِقُوا الْغَارَةَ فِي إِفْرَاعِهِمْ كَرَعَالِ الطَّيْرِ [أَسْرَابًا] تَمُرُّ

واژه نوگزیده: **مَحَلّ دَارای دَلالتِ نَحسْتین** جای فرود آمدن در معنی امروزی فروشگاه.

متن دارای دلالتِ نَحسْتِ جای فرود آمدن از معلقه لبید:

عَفَتِ الدِّیَارُ [محلها] فَمَقَامُهَا بِمِئی تَأَبَّدَ غولها فرجامها

(الزوزنی، ۱۴۰۵: ۹۱)

واژه نوگزیده: **زبون دَارای دَلالتِ نَحسْتین شتر سرکش** در معنی امروزی مشتری و خریدار.

متن دارای دلالتِ نَحسْتِ شتر سرکش از عمرو بن کلثوم:

إِذَا عَضَّ الثَّقَافُ بِهَا اشْمَأَزَّتْ وَوَلَّتْهُ عَشَوَزْنَه [زبونا]

(البستانی، ۱۴۲۵: ۱۳۳)

۹-واژه نوگزیده: **خَلایا**: جِ خَلِیْه دَارای معنای دَلالتِ نَحسْتین سینه کشتی یا کشتی در معنی

امروزی سلول.

متن دارای معنای دَلالتِ نَحسْتِ کشتی از معلقه طرفه:

كَأَنَّ حُدُوجَ المَالِكِيَّةِ عُدُوه [خَلایا] سَفِينِ بِالنَّوَصِفِ مِنْ دَرِ

(الزوزنی، ۱۴۰۵: ۴۵) (پنداری کجاوه‌های معشوق مالکی من، سپیده‌دمان روز کوچ و جدایی در

پهنای شاهراه صحرای دد در چشمم، کشتی‌هایی بودند غول‌پیکر).

متن دارای معنای نوین سلول: یَسِیحُ فِی البَلَازِمَا ثَلَاثَه أَنْوَاعِ مِنَ الخَلَايَا هِی: **خَلایا الدم**

الحمراء، خَلایا الدم البیضاء و الصفائح الدمویه.

(در پلاسمای خون، سه نوع سلول شناور است شامل گلبول‌های قرمز خون، گلبول‌های سفید

خون و پلاکت‌ها).

۱۰-واژه نوگزیده: **نادی دَارای معنای دَلالتِ نَحسْتین** ندادهنده و فریادزننده یا نشست و محفل

در معنی امروزی باشگاه.

متن دارای معنای دَلالتِ نَحسْتِ نَسْتِ از رثاء صخر خنساء:

حَمَالُ أَلویه هَبَّاطُ أودیة شَهَادُ [أندیة] لِلجِیشِ جَرَّارُ

(همان: ۲/۲۶۹)

(برادر من، صخر همواره علمدار و پرچمدار نبرد بود؛ او بود که پیوسته در دره‌ها فرود می‌آمد، در انجمن‌ها و محافل حاضر بود و مورد مشورت و سردار لشکر و به پیش‌راننده سپاه بود.)
 متن دارای معنای نوین باشگاه ورزشی: **وعقد رئیس النادي خالد البطان اجتماعاً مطولاً مع اللاعین.**

(رئیس باشگاه، خالد البطان، یک نشست طولانی با بازیکنان داشت.)

پس از بررسی این دسته از برابرنهادها باید بیان داشت که در کاربرد تازه واژگان و در میان گویشوران زبان عربی، این دسته از اقبال بیشتری برخوردار بوده و کاربرد و رواج فزون‌تری یافته است؛ مهم‌ترین دلیلی که چنین برداشتی را بیشتر تبیین می‌سازد، ارتباط و پیوند روشن میان کاربرد جدید واژه با معنای پیشین خود و در حقیقت توسعه معنایی اندک آن نسبت به معنای پیشین می‌باشد؛ مخاطبان نیز در دریافت معنا و مدلول این برابرنهادها با ابهام یا مشکلی مواجه نمی‌شوند و از این‌رو این دسته از واژه‌گزینی نسبت به دیگر دسته‌ها، گستره بیشتری را به خود اختصاص داده و از مقبولیت بیشتری برخوردار است.

واژه نوگزیده: **مقود دارای دلالت نخستین رهبری و به پیش بردن در معنی امروزی فرمان‌**
ماشین.

متن دارای دلالت نخست هدایت و رهبری:

ألا فاقتلونی إننی غیر راجع إلیکم و لأعطی علی الذل [مقودی]

واژه نوگزیده: **سواقه دارای دلالت نخستین شبان، آردفروش و در زبان عامیانه کرایه‌دهنده ستوران و در معنی امروزی درایور.**

متن دارای دلالت نخست شبان، آردفروش و در زبان عامیانه کرایه‌دهنده ستوران از الصحاح
 اسماعیل بن حماد جوهری :

ساق الماشیه.. فهو سائق و سواق شدّد للمبالغه قال الراجز:

قد لَفَّهَا اللَّيْلُ بِسَوَاقِ حُطَمٍ لیس براعی إبلٍ و لا غنم.

واژه نوگزیده: **مُثَقَّفٌ** دارای دلالت نخستین نیزه راست - که در بیشتر متون شعری کلاسیک، صفت دال بر موصوفِ مَقَدَّرِ نیزه است - در معنی امروزی اندیشمند و روشنفکر.

متن دارای دلالت نخست نیزه راست از معلقه عترة :

جَادَتْ لَهُ كَفَىٰ بِعَاجِلِ طَعْنِهِ ب [مُثَقَّفٍ] صَدَقَ الْكُعُوبُ مُقَوِّمٌ

(همان: ۱۴۸)

واژه نوگزیده: **زِنَادٌ** دارای دلالت نخستین سنگ چخماق در معنی امروزی ماشه تفنگ.

متن دارای دلالت نخست سنگ چخماق از معلقه عترة :

هَزَجًا يَحْكُ [ذِرَاعٌ] هُ [بِذِرَاعٍ] هُ قَدَحَ الْمُكِيبَ عَلَى الزِّنَادِ الْأَجْدَمِ

(همان: ۱۴۱)

واژه نوگزیده: **مَذْهَبٌ** دارای دلالت نخستین آیین و سلوک در معنی امروزی دکترین سیاسی.

متن دارای دلالت نخست آیین و سلوک از علقمه:

ذَهَبَتْ مِنَ الْهَجْرَانِ فِي غَيْرِ [مَذْهَبٍ] وَ لَمْ يَكُ حَقًّا كُلُّ هَذَا التَّجَنُّبِ

(همان: ۱۸۱)

واژه نوگزیده: **رَسَبٌ** دارای دلالت نخستین رسوب کردن و ته نشین شدن در معنی امروزی

مردود شدن.

متن دارای دلالت نخست رسوب کردن:

فِي كَفِّهِ مَرْهَفٌ الْعَدَارِ إِذَا أَهْوَىٰ بِهِ مِنْ كَرِيهَةٍ [رَسْبًا]

استناد نوگزیده در متون مشهور دیرین

پیش از ورود به بحث اصلی این بخش، پدیدآور نوشتار خاطر نشان می‌سازد که ورود و نمود این دسته از واژگان نوگزیده در متون کلاسیک، بیشتر در ادبیات مشهور بوده است که به دلیل گسترده بودن حجم آن‌ها و نیز فراگیری و شمول زمانی و مکانی، نویسنده در بیان معنای دیرین و نخست به ارائه شواهد از معاجم و آثار معتبر مانند لسان العرب ابن منظور، الإفصاح حسین یوسف موسی، المحيط فی اللغة از صاحب بن عبّاد، مفردات ألفاظ القرآن از راغب اصفهانی و معجم

مقایسه اللغه ابن فارس پرداخته است و در ادامه به ارائه برخی نمونه‌ها به‌عنوان شاهد معنای نوین از متون علمی یا خبری معاصر همت گماشته است؛ بررسی‌های نویسنده نشان می‌دهد که این دسته از نوگزیده‌ها در مقایسه با دسته پیشین توسعه معنایی بیشتری داشته‌اند و مدلول نوین آن‌ها بیشتر در متون علمی تخصصی کاربرد دارد و از این‌رو در بسیاری از موارد، معنای نوین برای مخاطب عام دارای ابهام و یا حتی غریب است و از گستره کاربرد و رواج کمتر و مقبولیت کمتری نیز برخوردار می‌باشد و به همین علت، بررسی‌های نگارنده در برخی از این نمونه‌ها، نشان‌دهنده رواج وام‌واژگان لاتین به جای این مدلول توسعه یافته می‌باشد.

۱-واژه نوگزیده: **بطاقه دارای معنای دلالت نخستین نامه و ورقه در معنی امروزی کارت، بلیط**

و....

متن دارای معنای دلالت نخست نامه و ورقه از ابن منظور:

البطاقه: الورقه عن ابن الأعرابی و قال غیره رقعہ صغیرہ یثبت فیها مقدار ما تجعل فیه إن كان عیناً فوزئہ أو عدده و إن كان متاعاً فقیمته.

متن دارای معنای نوین کارت: أعلن خالد حنفی، أنه تم الاتفاق مع وزارة التنمية الإدارية المشرفه فینا و إداریا علی الشركات الثلاث المسؤولة عن استخراج **بطاقات التموين الذکيه**.

(خالد حنفی اعلام کرد که توافق با وزارت توسعه اداری که ناظر فنی و اداری کار سه شرکت مسئول تهیه کارت‌های هوشمند تغذیه می‌باشند، انجام پذیرفته است.)

متن دارای معنای نوین بلیط: تعتبر **بطاقه القطار** هی الوسيله المثلی لتوفیر النقود حیث یمکنک السفر بنصف الثمن أیاً كانت المسافه.

(بلیط قطار بهترین وسیله جهت پس‌انداز و ذخیره نقود است چرا که قطار امکان سفر به شکل نیمه‌بها را مهیا می‌سازد با هر مسافتی.)

۲-واژه نوگزیده: **الفأره دارای دلالت نخستین موش در معنی امروزی ماوس**.

متن دارای معنای دلالت نخست موش از الإفصاح حسین یوسف موسی:

الفأره: الواحد من الفأر و هی جنس حیوان من الفصیله الفأریه و رتبه القواضم. تُهمز و لا تُهمز.

متن دارای معنای نوین ماوس کامپیوتر: **فأره الحاسوب هی إحدى وحدات الإدخال فی الحاسوب یتم استعمالها یدویا للتأشیر و النقر.**

(ماوس کامپیوتر یکی از وسایل ورودی رایانه است که به شکل دستی جهت نشان دادن و کلیک کردن به کار می‌رود).

۳-واژه نوگزیده: **نقر دارای دلالت نخستین سوراخ کردن، فرا خواندن و صدا زدن و در معنی امروزی کلیک کردن.**

متن دارای معنای دلالت نخست سوراخ کردن از المحيط فی اللغة صاحب بن عبّاد:

النَّقر: ضربُ الرّحی و الحجر و غیر ذلك بالمنقار.

متن دارای معنای نوین کلیک کردن: **النقر المستمر علی الفأره (الماوس) قد یدو أمراً هینا لکن کثیر من مستخدمی الكمبيوتر یجدون أن الألم یدأ فی الید.**

(کلیک کردن مداوم بر روی ماوس، کار آسانی به نظر می‌رسد ولی بسیاری از کاربران رایانه درمی‌یابند که این درد از دست آغاز می‌شود).

۴-واژه نوگزیده: **فُتّحه دارای معنای دلالت نخستین شکاف و سوراخ و در معنی امروزی درگاه یا پورت.**

متن دارای معنای دلالت نخست شکاف و سوراخ:

و الفُتّحه فی الشیء الفُرجه و الجمعُ فُتّح مثل عُرفه و عُرف.

یرجى إغلاق غطاء الفُتّحه و قلب الكمبيوتر المحمول مع جعل ظهره مواجهاً للأعلى.

(باید درپوش پورت بسته شود و لپ‌تاپ به گونه‌ای که پشت آن رو به بالا قرار گیرد، برگردانده شود).

۵-واژه نوگزیده: **البیانات دارای معنای دلالت نخستین آشکار کردن و در معنی امروزی اطلاعیه، بیانیّه، داده.**

متن دارای معنای دلالت نخست آشکار کردن از مفردات ألفاظ القرآن راغب اصفهانی:

البیان: الكشف عن الشیء و هو أعمّ من النطق و یسمی ما بین به بیانا.

متن دارای معنای نوین بیانیته: قالت المتحدثة باسم وزارة الخارجية الإيرانية مرضيه أفخم إن بيان الدول المشاركة في قمة كامب ديفيد يدل على تناقض بين أفعالها وأقوالها.
(سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، خانم مرضیه افخم گفت که بیانیه دولت‌های شرکت‌کننده در نشست سران کمپ دیوید نشانگر تناقض میان گفتار و رفتار آن‌هاست.)
۶-واژه نوگزیده: تجهیز دارای معنای دلالت نخستین آماده کردن و در معنی امروزی فرمت کردن.

متن دارای معنای دلالت نخست آماده کردن از فؤاد أفرام البستانی:
التجهيز جَهَّزْتُ الرجل إذا هيأت له جهاز سفره فلما قال الله تعالى: «فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ»
متن دارای معنای نوین فرمت کردن: تجهیز قرص إقلاع مرن فی حاله النسخ القديمه من أنظمة Windows.

(فرمت کردن فلاپی در صورت وجود نسخه‌های قدیمی از سیستم عامل ویندوز.)
۷-واژه نوگزیده: الذاکره دارای معنای دلالت ذهن نخستین یادکننده یا گفتار و در معنی امروزی فلش.
متن دارای معنای دلالت نخست یاد کردن و گفتن از ابن منظور:

الذکر: الحفظ للشيء تذكروه و الذکر أيضاً الشيء يجرى على اللسان و جرى الشيء على اللسان.
متن دارای معنای نوین امروزی فلش مموری: الذاکره الوميضيه ثلاثيه الخلايا ألتی زوّد بها الجوال غير قادره على تحمل الكم الكبير من البيانات.

(فلش مموری سه هسته‌ای این گوشی همراه، توان نگهداری حجم وسیعی از داده‌ها را ندارد.)
۸-واژه نوگزیده: التحميل دارای معنای دلالت نخستین بار کردن و در معنی امروزی آپلود.
متن دارای معنای دلالت نخست بار کردن از الإفصاح يوسف حسين موسى:

التحميل: حَمَلَ الْجَمَلَ عَلَى ظَهْرِ الدَّابَّةِ يَحْمِلُهُ حَمَلًا وَ حُمَلَانًا: رفعه و وضعه عليه.
متن دارای معنای نوین آپلود کردن: من المعروف أنك لا تستطيع تحميل أي كتابه إلكتروني مباشرة إلى الآيباد.

(به نظر می‌رسد که امکان آپلود هیچ کتاب الکترونیکی به شکل مستقیم روی این آی‌پد برای تو وجود ن‌دارد.)

۹-واژه نوگزیده: **التنزیل دارای دلالت نخستین فرود آمدن و در معنی امروزی دانلود.**

متن دارای معنای دلالت نخست فرود آمدن از معجم مقاییس اللغه ابن فارس:

التَّنْزِيلُ: نَزَلَ.

۳ متن دارای معنای نوین دانلود کردن: **حاولت تنزيل الكتب الموجودة في موقع المكتبة الشاملة.**

۱۰-واژه نوگزیده: **شَقَّه دارای معنای دلالت نخستین تگه یا قطعه و در معنای امروزی**

آپارتمان.

متن دارای معنای نخست فرود آمدن از ابن منظور:

متن دارای معنای نوین آپارتمان: **انتقل هشام شرابی، المفكر الفلسطيني و ناقد الأدب العربيّ الى**

شَقَّه مطَّله على البحر في الطابق العاشر.

(هشام شرابی، اندیشمند فلسطینی و ناقد ادبیات عربی به آپارتمانی رو به دریا در طبقه دهم نقل

مکان کرد.)

۱-واژه نوگزیده: **تدوین دارای معنای نخستین گردآوری و نوشتن برابرنهاده اصطلاح امروزی**

وبلاگ‌نویسی.

متن دارای معنای نوین:

و اليوم قامت قوئل بإضافة تحديث بسيط لخدمه (Gmail) يسمح للمستخدمين بالتفاعل مع

إشعارات شبكة التدوين المصغَّر تويتر...

(امروز گوگل، خدمات بروزرسانی Gmail را افزایش داده به طوری که به کاربران، امکان استفاده

از داده‌های شبکه میکرو-وبلاگ‌نویسی تویتر را می‌دهد.)

۲-واژه نوگزیده: **منتخب دارای معنای نخستین برگزیده برابرنهاده اصطلاح امروزی تیم ملی.**

متن دارای معنای نوین:

٤٨ ساعة فقط تفصل منتخبنا الوطني لكره القدم عن لقاء أمام نظيره اللبناني.

(تیم ملی فوتبال ما تنها ۴۸ ساعت تا دیدار به همتای لبنانی‌ش فاصله دارد.)

۳-واژه نوگزیده: **تصفیه دارای معنای نخستین پالودن و مصفاً کردن** برابر نهاده اصطلاح امروزی مسابقات مقدماتی به شکل التصفیات.

متن دارای معنای نوین:

۴۸ ساعه فقط تفصل متخبنا الوطنی لكره القدم عن لقاءه أمام نظيره اللبناني ضمن الجوله الثالثه للتصفیات الآسيويه المؤهله إلى نهائيات كأس آسيا ۲۰۱۵ فی استراليا.

(تیم ملی فوتبال ما تنها ۴۸ ساعت تا دیدار به همتای لبنانی‌ش فاصله دارد به‌عنوان بازی سوم از بازی‌های مقدمات آسیا برای راهیابی به مسابقات پایانی جام ملت‌های آسیا در سال ۲۰۱۵ در استرالیا.)

۴-واژه نوگزیده: **معسکر دارای معنای نخستین لشکرگاه** برابر نهاده اصطلاح امروزی اردوی ورزشی.

متن دارای معنای نوین:

و كان مجلس الإدارة بقيادة مدير المنتخب أسامه حسين قد تحدث إلى اللاعبين خلال المعسكر الذي يقيمه الأزرق في فندق مومبيك المنطقه الحره.

(هیأت مدیره به سرپرستی اسامه حسین در اردویی که آبی‌پوشان در هتل مومبیک در منطقه آزاد برپا کرده‌اند با بازیکنان صحبت کرد.)

۵-واژه نوگزیده: **الاتحاد دارای معنای نخستین یکی شدن و متحد شدن** برابر نهاده اصطلاح امروزی فدراسیون.

متن دارای معنای نوین:

من جهة أخرى يعقد اتحاد كره القدم في الرابعه و النصف من مساء اليوم الأحد في مقره مؤتمراً صحافياً.

(از سوی دیگر، فدراسیون فوتبال در ساعت چهار و نیم عصر امروز یک‌شنبه در ساختمان خود، یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار خواهد کرد.)

۶-واژه نوگزیده: **خَلْفِيَه** دارای معنای نخستین پیش‌زمینه برابرنهاد اصطلاح امروزی تِم.

متن دارای معنای نوین:

و يُمكنك أيضاً تنسيق علبة بريدك و تعيين خَلْفِيَه من خدمه (Fliker).

(تو همچنين می‌توانی inbox ایمیل را تنظیم نمایی و یک تم مناسب با استفاده از خدمات سایت فلیکر انتخاب کنی.)

۷-واژه نوگزیده: **تَضَخُّم** دارای معنای نخستین بسط و انبساط برابرنهاد اصطلاح امروزی تورم اقتصادی.

متن دارای معنای نوین:

لقد أدى التَّضَخُّم المتصاعد إلى إفقار الطبقة المتوسَّطه.

(تورم فزاینده منجر به فقیرتر شدن طبقات متوسط اجتماع گشته است.)

۸-واژه نوگزیده: **قراصنه** دارای معنای نخستین دزدان دریایی برابرنهاد اصطلاح امروزی هکرها.

متن دارای معنای نوین:

الف) و ذكرت تقارير إعلامیه أن بعض القراصنه تسللوا إلى بعض أجهزة الماكنتوش الخاصه بموظفی (آبل).

(برخی گزارش‌های خبری از نفوذ تعدادی هکر به برخی سیستم‌های مکیتاش که ویژه کارمندان شرکت اپل است، خبر دادند.)

۹-واژه نوگزیده: **ثغره** دارای معنای نخستین شکاف‌ها برابرنهاد اصطلاح امروزی باگ‌ها.

متن دارای معنای نوین:

أفادت بعض التقارير أن القراصنه استطاعوا استغلال بعض الثغرات الموجوده فی تطبيق آل (Java).

(برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که هکرها موفق به سوء استفاده از باگ‌های موجود جهت نفوذ به سیستم جاوا شدند.)

۱۰- واژه نوگزیده: **قرص دارای معنای نخستین گردی** برابر نهاده اصطلاح امروزی دیسک.

متن دارای معنای نوین:

إن فائده مثل هذه الكتب الالكترونية او موسوعات المعرفة المخزونه على الاقراص الحاسوبية المدمجه، هي إغناء الباحثين و الكتاب.

(مزیت این گونه کتاب‌های الکترونیکی یا دائره‌المعارف‌های ذخیره شده روی دیسک‌های فشرده کامپیوتری، برطرف ساختن نیاز پژوهشگران و نویسندگان است.)

ترجمه وام‌واژگان

پیش از ورود به بحث ترجمه وام‌واژگان دارای وند در زبان عربی، لازم است جهت ایجاد پیش‌زمینه‌ای ذهنی برای مخاطب، تعریفی کوتاه از وام‌گیری زبانی و چگونگی آن در زبان فارسی ارائه شود؛ روندی که بر بنیاد آن زبان یا گویشی، برخی عناصر زبانی را از زبان یا گویشی دیگر می‌گیرد و در خود جای می‌دهد یا به بیان فرهنگستان، گرفتن و اخذ یک واژه از زبان‌های بیگانه و معمولاً غربی با همان مفهومی که در زبان مبدأ دارد، قرض‌گیری یا وام‌گیری نامیده می‌شود (آرلاتو، ۱۳۸۴: ۲۰۹ و گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۴۰). از انواع وام‌گیری زبانی، وام‌گیری واج‌ها و آواها، دستور یا واژگان می‌باشد و وام‌گیری واژگانی (lexical borrowing) در واقع ورود واژگان و اصطلاحات و دانش‌واژه‌های یک زبان به زبان دیگر است. (مدرسی، ۱۳۸۷: ۷۳)

در زبان فارسی در صورتی که نتوان در مقابل یک مفهوم در گنجینه واژگانی زبان فارسی، برابر نهاده مناسبی یافت، کاربرد وام‌واژه با داشتن دو ویژگی، مجاز می‌باشد؛ نخست این‌که وام‌واژه در زبان مبدأ جزء واژگان بسیط باشد و اگر هم بسیط نیست، ساختار صرفی آن مانع از اعمال فرایندهای واژه‌سازی فارسی بر روی آن نشود و دیگر این‌که متخصصان، یافتن برابر نهاده از زبان فارسی را برای آن ضروری ندانند بلکه به دلیل قدمت و گستردگی استفاده، نزد اهل تخصص کاملاً طبیعی به نظر رسد مانند وام‌واژه‌های «تلفن»، «رادیو» و «اتم». (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۴۱-۴۰) شایان ذکر است که وام‌واژگان کاربردی زبان فارسی عمدتاً از نوع واحدهای اندازه‌گیری، اسامی شیمیایی، نام داروها و موارد مشابه می‌باشد.

درباره شیوه ترجمه واژگان دارای وند - که محلّ بحث در این جستار می‌باشند - نگارنده به قاعده، قانون یا اصلی علمی که مانند زبان عربی، وضع فرهنگستان زبان فارسی باشد، دست نیافته است و معادل‌های فارسی ذکر شده در برابر واژگان لاتین نیز که در بخش پسین ذکر شده است نیز بیانگر گونه‌ای نابسامانی و بی‌قاعدگی زبان فارسی نسبت به ترجمه واژگان دارای وند است ولی به طور کلی در پیوند با شیوه‌های واژه‌گزینی بیان شده است که معادل‌یابی وام‌واژگان می‌تواند به دو شکل مفهومی یا گرت‌برداری صورت پذیرد؛ در معادل‌یابی مفهومی، بدون توجه به ساختار اصطلاح بیگانه و فقط با در نظر گرفتن معنی و تعریف آن در زبان فارسی یک معادل یافته یا ساخته می‌شود مانند قرار دادن واژه «برج» در برابر skyscraper و در گرت‌برداری، معادل‌یابی با توجه به ساختار اصطلاح بیگانه صورت می‌گیرد بدین معنا که در مقابل هر جزء معنی‌دار اصطلاح بیگانه یک جزء معنی‌دار در زبان فارسی قرار داده می‌شود مانند کاربرد برابر نهاده «بلندگو» به جای loudspeaker .

در زبان عربی، وام‌واژگی و قرض‌گیری واژگان از زبان‌های دیگر با وجود تفاوت دیدگاه‌های زبان‌پژوهان معاصر، در واقع آخرین راه پیش‌روی گرایشور و زبان‌شناس است که از سر ناچاری بدان دست می‌یازد و تقسیم وام‌واژه در زبان عربی به دو گروه واژگان معرّب / منطبق با اصول زبان عربی و واژگان دخیل / غیرمنطبق با اصول زبان عربی، حکایت از حساسیت بالای عرب‌زبانان نسبت به کاربرد ریشه عربی دارد (مطلوب، ۱۹۸۳: ۲۶) واقعیت آن است که بیان تقسیم‌بندی‌ها، اصول، قواعد و شرایط وام‌گیری و توضیح انواع آن در زبان عربی و دیدگاه‌های زبان‌شناسان کلاسیک و معاصر عرب در این راستا در مجال این نوشتار نمی‌گنجد. از این‌رو این مقاله به بحثی که در ترجمه و برابریابی وام‌واژگان از طریق واژه‌گزینی در زبان عربی به طور روشن توسط مجمع زبان عربی در مصر، محلّ اهتمام قرار گرفته است؛ یعنی چگونگی واژه‌گزینی وندها (پیشوند، میانوند، پسوند) می‌پردازد.

در زبان عربی برای واژه‌گزینی و برابریابی وندهای وام‌واژگان لاتین، دو شیوه پیشنهاد شده است که عبارت‌اند از:

افزون بر بحث‌های یاد شده بحثی که در ترجمه و برابریابی وام‌واژگان نیز از طریق واژه‌گزینی در زبان عربی محلّ اهتمام قرار گرفته است، چگونگی واژه‌گزینی وندها (پیشوند، میانوند، پسوند) در این زبان است زیرا برگردان و برابریابی آن‌ها در واژه‌گزینی دانش‌واژه و اصطلاح مورد نظر از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ در زبان عربی برای واژه‌گزینی و برابریابی وندهای وام‌واژگان لاتین، دو شیوه پیشنهاد شده است که عبارت‌اند از:

۱- ترجمه معنایی: به این ترتیب که پس از یافتن برابرنهاده‌ای برای اصل واژه یا اصطلاح مورد نظر در زبان مبدأ به دنبال کلمه‌ای باشیم که در بردارنده دلالت و معنای وند باشد و سپس با ترکیب اضافی یا وصفی دو کلمه در قالب یک هموند، برابرنهاده پیشنهادی را ارائه نماییم که به نظر می‌رسد در زبان فارسی این چنین برگردان همان است که فرهنگستان زبان «گرده‌برداری» نامیده است «بدین معنا که در برابر هر جزء معنی‌دار از واژه مبدأ، یک جزء معنی‌دار در زبان فارسی گذاشته می‌شود.» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۴۱) - از نمونه‌های این گونه ترجمه در زبان عربی اصطلاح (Hypersensibilite): پرحساسیتی، دارای پیشوند (Hyper): است که با «فرط» یا «زیاده» واژه‌گزینی می‌شود و با کلمه اصلی یعنی (sensibilite): که با «الحساسیّه» برابریابی شده است در قالب نهایی ترکیب اضافی «فرط الحساسیّه» ارائه می‌گردد؛ اصطلاح (Colloide): چسبناک، لزج نیز از ریشه اصلی (Coll) برابر «غراء» و پسوند (oide) معادل «شبه» به شکل ترکیب اضافی «شبه‌غرائی» قابل واژه‌گزینی شده است؛ برای اصطلاح (Geotropisme): زمین‌گرایی / وابسته به جاذبه زمین مرکب از ریشه (tropisme) معادل «التأود» و پیشوند (Geo) برابر «الأرض»، برابرنهاده وصفی «التأود الأرضی» پیشنهاد شده است.

از پرکاربردترین پیشوندها در واژگان لاتین (a) یونانی دالّ بر نفی می‌باشد که به علت تفاوت کاربری آن به ریشه وصفی یا اسمی و متناسب با مقبولیت مخاطبان یا عدم مقبولیت در زبان عربی با برابرنهاده‌هایی مانند «لا»، «بلا»، «بدون»، «غیر»، «عدی‌ام» و.. واژه‌گزینی شده است چنان‌که برای پیشوند (extra): اضافی، افزونه نیز برابرنهاده‌های «اضافی»، «فوقی» و «خارجی»، برای پسوند (forme): سان، مانند معادل‌های «شبیّه»، «شکل» و «هیئّه» و برای پسوند (nomice): قانونی برابر «قانون»، «تقلید»، «قاعده» و «علم» پیشنهاد شده است.

۲- ترجمه به ساخت بدین ترتیب که هنگام برابری واژه زبان مبدأ در زبان عربی به شکل قاعده‌مند و قیاسی، وزن و ساخت ویژه‌ای برای وند مورد نظر در کلمه به کار گرفته شود بر این بنیاد، زبانکده قاهره برای ترجمه پسوند (metre) وزن‌های مفعول و مفعول را که از اوزان اسم آلت است پیشنهاد کرده است و بر این اساس اصطلاح (hydrometre): آب‌سنج، آب‌سنج را به ممیاه و اصطلاح (choronometre) را به «میقات» و اصطلاح (telemetre): مسافت‌سنج را به «مراقب» برگردان نموده است و اصطلاح (radiometre): پرتوسنج را به «مشع» و اصطلاح (barometre): فشارسنج را به «مضغظ» برگردان نموده است؛ پسوند (scope) نیز طبق همین رویکرد زبانکده قاهره برابری شده است و اصطلاح (epidiascope): برون‌دیس‌نما- دستگاهی که تصاویر برجسته جسمی کدر را ظاهر می‌کند- به «مخیال»، اصطلاح (fluoroscope): فلورنما به «ملصاف» و اصطلاح (telescope): تلسکوپ به «مقرب» واژه‌گزینی شده است.

در فرآیند یادشده پسوند (graphie) در وزن‌های مفعول و مفعوله برابری می‌شود و از این رو کلمه (kiugographe): موج‌سنج با «مواج»، کلمه (meteographe): هواسنج با «منوآه» و اصطلاح (teleographe): تلگراف با «مبرقه» واژه‌گزینی شده‌اند؛ همچنین از نمونه‌های برابری پیشوند نیز در این سبک می‌توان به برگردان پیشوند (hyper) به وزن تفعول در کلمه (hyperactivite): پرتکاپو معادل «تنشاط»، برگردان پیشوند (meta) به وزن إفعیلی در اصطلاح (metaphysique): متافیزیک برابر «إطبیعی» به جای ماوراء الطبیعی یا غیبی و واژه‌گزینی پیشوند (pre) با وزن فُعُلوان در سازه (prehistoire): ماقبل تاریخ برابر «أرخوان» به معنای پیش از تاریخ اشاره نمود. (خساره، ۲۰۰۸: ۶۰-۴۸)

سرواژه‌سازی

اختصار و کوتاه نمودن واژگان؛ اصطلاحات و گروه‌های نحوی زبان در دوره معاصر، کاربرد فراوانی یافته است و دکتر محمود فهمی حجازی، زبان عربی را از جمله زبان‌های دارای توانش و قابلیت بسیار جهت بهره‌گیری از فرآیند سرواژه‌سازی همسو با سطح دانش و فن‌آوری جهانی دانسته است (فهمی حجازی، ۱۹۹۲: ۹۵). سرواژه عبارت است از واژه‌ای که هر یک از حروف آن برگرفته از نخستین حرف هریک از اجزاء و وندهای یک گروه-واژه یا گروه اسمی است که

در بیشتر موارد نیز با حروف بزرگ نوشته می‌شود هرچند با حروف کوچک و در قالب نوشتار روزمره واژگان نیز کاربرد دارند مانند سرواژه «ناجا» که حروفش برگرفته از نخستین حرف هریک از اجزاء گروه-واژه «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد؛ در این نوشتار نیز فرجامین فرآیندی که در برابریابی واژگان و اصطلاحات زبان مبدأ از نوع واژه‌گزینی مطرح است، واژه‌گزینی نام‌های طولانی ساخته شده از چندین کلمه است که پیشنهاد برابرنهاده‌ای تک‌جزئی برای این نوع نام‌ها دشوار است؛ برای رفع این مشکل معمولاً از فرآیند سرواژه‌سازی - که در عربی از آن با نام‌های المختصرات، المصطلحات الاختزالیّه، المصطلحات الاختصاریّه و منحوتات البدء یاد شده است، استفاده می‌شود که البته با توجه به معنا و دلالت ویژه‌ای که نحت دارد، برخی نمونه‌های زیرمجموعه نحت را از شاخه سرواژه‌سازی واژه‌گزینی خارج دانسته‌اند مانند نمونه لاتین سرواژه (radar) که برگرفته از نخستین حروف واژگان سازنده گروه‌واژه (ranging and detecting radio) است یا سرواژه (laser) که شکل سرواژه‌سازی شده گروه (radiation of emission dstimulate by amplification light) است و در فرجام سرواژه (snafu) برگرفته از حروف نخست گروه‌واژه (up fouled all normal situation) می‌باشد. (یول، ۱۳۸۶: ۸۳) از نمونه‌های عربی سرواژه به «صلعم» برگرفته از گروه «صلی الله علیه و سلّم» نیز اشاره شده که به نظر با اسلوب نحت همخوانی بیشتری داشته باشد، البته افزون بر سرواژه‌سازی از دیگر شیوه‌های اختصار، یکی اختصار تک‌حرفی است مانند ص برگرفته از صفحه، دیگر اختصار چند حرفی مانند ب. م. م. : بزرگ‌ترین مضرب مشترک، ترخیم مانند «نک» برگرفته از « نگاه کن به»، فشرده‌سازی مانند «الخ» برگرفته از «الی آخر»، و نحت مانند «توانیر» برگرفته از «تولید و انتقال نیرو» یا «نستعلیق» برگرفته از «نسخ» و «تعلیق». (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۳۹)

در زبان عربی، از سرواژه‌سازی با نام‌های المختصرات، المصطلحات الاختزالیّه، المصطلحات الاختصاریّه و منحوتات البدء یاد می‌شود که جهت فشرده‌سازی نام‌های طولانی ساخته شده از چندین کلمه - که پیشنهاد برابرنهاده‌ای تک‌جزئی آن‌ها دشوار است - به کار می‌روند؛ از نمونه‌های مشهور سرواژه در ادبیات کلاسیک عربی بر اساس یافته‌های نگارنده «کُشاجم» است برگرفته از

گروه‌واژه «کاتب شاعر انشائی جدلی منطقی» یا از گروه «کاتب شاعر ادیب جمیل مُعَن» اما از سرواژه‌های نوساخته زبان عربی سرواژگان دارای تغییر مکان حروف است مانند «کونا» برگرفته از «وکالاه الأنباء الکویتیه» و «سونا» از «وکاله الأنباء السوریه»؛ دیگر از سرواژه‌های نوساخته «داعش» می‌باشد که بنا بر ادعای این گروهک تکفیری از گروه‌واژه «الدوله الإسلامیه العراقیه الشامیه» برگرفته شده است.

از نمونه‌های اختصار تک‌حرفی در زبان عربی ص برگرفته از صفحه است که در زبان فارسی نیز کاربرد دارد، س برگرفته از سؤال و کم برگرفته از کیلومتر، اختصار چندحرفی مانند ص.ن.د برگرفته از صندوق النقد الدولی، م.ص.ع برگرفته از منظمه الصحه العالمیه و ا.ش.أ برگرفته از انباء الشرق الأوسط، ترخیم مانند «یا حار» برگرفته از «یا حارث»، «یا معدی» برگرفته از «یا معدی کرب» و نحت مانند «ألبر» برگرفته از «الله اکبر»، «حلماً» برگرفته از «حَلَّ الماء» و «بَدَعَد» برگرفته از «بدأ عاد»؛ شایان توجه است که براساس تحقیق نویسنده مقاله نمونه‌های ذکر شده برای ترخیم و فشرده‌سازی در زبان فارسی در زبان عربی، حکم نحت را دارند و واقعیت ترخیم با نمونه‌های ارائه شده در زبان فارسی کاملاً متفاوت است.

نتیجه

مطالعه و بررسی فرآیند واژه‌گزینی گویشوران عرب‌زبان در دوره معاصر، نظر به اشتقاقی و صرفی بودن زبان عربی که در تقسیم‌بندی ماکس مولر نیز در جرگه خانواده زبان‌های حامی-سامی یا سومری کهن قرار دارد نشان می‌دهد که فرآیند واژه‌گزینی که زبان‌شناسان معاصر عرب از آن با نام «ترجمه» نیز یاد کرده‌اند در رده دوم و پس از واژه‌سازی و تولید واژگان نوین از طریق اشتقاق و ترکیب قرار می‌گیرد و به‌عنوان راهکاری جهت برابری دانش‌واژگان و اصطلاحات جهان امروز کاربرد دارد؛ همچنین نگارنده پس از بازخوانی شیوه‌های واژه‌گزینی در زبان عربی معاصر، چند الگو و تکنیک کاربردی را در فرآیند واژه‌گزینی این زبان شناسایی نمود که بنا بر بر ارزش کاربرد عبارت‌اند از: نوگزینش و برگزینش که ذیل مقوله دیرین مجاز در زبان عربی گنجانده می‌شوند، ترجمه وام‌واژه با دیدگاه معناگر یا ساخت‌محور و سرواژه‌سازی.

چگونگی ترجمه و واژه‌گزینی وندهای دانش‌واژگان زبان مقصد اعم از پیشوند، میانوند و پسوند نیز حکایت از آن دارد که در زبان عربی برای برگردان وندهای لاتین، دو شیوه ترجمه معنایی ترجمه به معنا و ترجمه به ساخت پیشنهاد شده است و واپسین فرجامین فرآیندی که بر اساس نتایج پژوهش حاضر نشان داده است در برابریابی و اصطلاح‌گزینی معاصر عربی کمتر مورد اقبال گویشوران و اهل زبان قرار گرفته است سرواژه‌سازی است هرچند صاحب‌نظران در زبان عربی نیز به مانند زبان‌های فارسی و انگلیسی جهت اختصار و نیز تسهیل فرآیند به یاد سپردن و یادآوری نام‌های طولانی از الگوی سرواژه‌سازی نیز بهره‌گرفته‌اند.

کتابنامه

- ابن منظور. (دت). لسان العرب. دار صادر. بیروت.
- اتحاد الأطباء العرب. (۱۹۸۴، ط ۴). المعجم الطبی الموحد. دار طلاس. دمشق.
- آرلاتور، آنتونی. (۱۳۸۴). درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی. ترجمه یحیی مدرس‌سی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اسلامی. تهران.
- البنستانی، فؤاد افرام. (۱۹۹۸، ط ۴). المجانی الحدیثه. دارالفقه للطباعه و النشر. لبنان.
- الثعالبی، أبو منصور. (دت). فقه اللغة و سرّ العربیه، دار الکتب العلمیه. لبنان.
- الجارم، علی و أمین، مصطفی. (۱۳۷۹، چاپ اول). البلاغہ الواضحہ. انتشارات الهام. تهران.
- خساره، محمد. (۲۰۰۸). علم المصطلح و طرائق وضع المصطلحات العربیة. دارالفکر. دمشق.
- الخطیب، أحمد شفیق. (۱۹۸۵). الموسوعه الطبیعه المیسره. مکتبه لبنان. بیروت.
- الخطیب، عدنان. (۱۹۸۳). المعجم العربی. مجله مجمع دمشق. دمشق.
- الخیاط، محمد هیشم. (دت). المصطلحات العلمیه و نظریه الضروره. الموسم الثقافی السابع الأردنی.
- الزوزنی، القاضی الإمام أبو عبد الله الحسین بن أحمد. (۱۴۰۵هـ.ق). شرح المعلقات السبع. چاپ امیر. قم.
- الشرقاوی، اقبال. (۱۹۹۱). معجم المعاجم، دار الجیل. بیروت. لبنان.
- الشهبابی، مصطفی. (۱۹۶۵، ط ۲). المصطلحات العلمیه فی اللغة العربیة فی القديم و الحدیث. مطبوعات مجمع اللغة العربیة. دمشق.
- فلبر، هلموت. (۱۳۸۱، چاپ اول). مبانی اصطلاح‌شناسی. ترجمه محسن عزیزی. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

القرطاجنی، ابوالحسن حازم . (۱۹۶۴). دیوان. تحقیق عثمان الکعاک. دار الثقافة. منشورات المكتبة الأندلسیة. گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان فارسی . (۱۳۸۸)، ویراست سوم). اصول و ضوابط واژه‌گزینی. انتشارات فرهنگستان. تهران.

مختار عمر، أحمد. (۱۹۸۲). علم الدلاله. مکتبه دار العروبہ للنشر و التوزیع. الكويت.
مدرسی، یحیی. (۱۳۸۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اسلامی. تهران.
مطلوب، أحمد. (۱۹۸۳). حرکة التعریب فی العراق، المنظمه العربیة للتربیة و الثقافه و العلوم. بغداد.
الهاشمی، أحمد. (۱۴۲۵هـ.ق، ط ۱). جواهر البلاغہ فی المعانی و البیان و البدیع. انتشارات اسماعیلیان.
هداره، مصطفی . (۱۹۵۸). مشکله السرقات فی النقد العربی.
یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۸۵، چاپ اول). ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی، انتشارات هرمس.
تهران.

یول، جورج. (۱۳۸۶، چاپ هفتم). نگاهی به زبان، بررسی زبانشناختی. ترجمه نسرین پرویزی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی. تهران.

